

جنگ فرهنگی استکبار: اهداف - راهبردها

عبدالله حاجی صادقی*

چکیده

جبهه استکبار در تقابل همیشگی با جبهه انقلاب اسلامی پس از ناکامی در عرصه‌های جنگ سخت و نیمه سخت، مهم‌ترین محور تهاجم و حمله خود را روی جنگ فرهنگی و مقابله با مبانی و ارکان انقلاب اسلامی مانند ماهیت دینی، ولایت‌محوری، روحیه جهادی و انقلابی، گفتمان انقلاب اسلامی و ... متمرکز کرده است و با به کارگیری ابزارهای مختلف، راهبردهای عملیاتی را برای تهاجم به نرم افزار و اصول و ارکان انقلاب در دستور کار قرار داده است. از آنجا که درک عمیق نسبت به ابعاد مختلف جنگ فرهنگی استکبار برجسته‌ترین مصداق بصیرت و شرط اساسی سنگر نشینی انقلاب اسلامی می‌باشد در این مقاله ابتدا هفت مورد از اهداف و نقطه‌های تهاجم فرهنگی دشمن بیان شده و سپس راهبردهای عملیاتی جبهه استکبار به اجمال ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی

جنگ فرهنگی، جبهه استکبار، انقلاب اسلامی، راهبردهای عملیاتی.

مقدمه

پیکار و درگیری جبهه باطل به سردمداری قدرت‌های استکباری و طاغوت‌ها با جبهه حق به رهبری انبیا، امامان و مصلحان بزرگ یک سنت آفرینش و قانون الهی است که همواره وجود

yamahdi433@mihanmail.ir

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۲

*. استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی.

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۳۰

داشته و هرگز تعطیل نمی‌گردد.

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ. (انعام / ۱۱۲)
وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ. (فرقان / ۳۱)

در پرتو همین تقابل و جنگ همیشگی، اولاً انسان‌ها جوهره خود را آشکار کرده و محک خورده، مورد آزمایش قرار می‌گیرند که در کدام جبهه قرار دارند و زیر پرچم و فرماندهی چه کسی و برای کدام هدفی مبارزه می‌کنند و صف و جبهه مؤمنین از دیگران جدا می‌گردد. «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ». (نساء / ۷۶)

ثانیاً مؤمنان با مبارزه مستمر و جهاد در راه خدا شایستگی تعالی و دست‌یابی به مراتب عالی انسانی و بهره‌مندی از هدایت و نصرت الهی را کسب می‌کنند. «وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ». (روم / ۴۷)

با پیروزی انقلاب اسلامی با جهت‌گیری حاکمیت الهی و گفتمان استکبارستیزی و دفاع از محرومان و مستضعفان و ادبیات بیداری و مقاومت، تقابل و تضاد جبهه حق با محوریت انقلاب اسلامی در برابر جبهه باطل به سرکردگی مستکبران و محوریت آمریکا و صهیونیسم آشکارتر و شفاف‌تر گردید و در عرصه‌ها و ابعاد مختلف، ظهور و بروز یافت؛ چراکه قدرت‌های استکباری و استعمارگر، موجودیت و دوام سلطه خویش را با انقلاب اسلامی در خطر نابودی می‌بینند و بدیهی است که از هر فرصت و ابزار و روشی برای مقابله با آن استفاده کند.

از دشمن نباید انتظاری جز دشمنی و تهاجم داشت و بدیهی است که او از همه امکانات و فرصت‌ها استفاده کند و در عرصه‌های مختلف اعم از عملیات سخت و فیزیکی و نظامی و تهاجم اقتصادی و یا حمله و جنگ سیاسی و فرهنگی استفاده کند تا جهت‌گیری و گفتمان انقلاب اسلامی را متوقف و ناکام سازد لکن آنچه برای سنگ‌نشینان انقلاب اسلامی و مجاهدین جبهه حق از اهمیت و اولویت برخوردار می‌باشد این است که در عین هوشیاری و آمادگی در تمام ابعاد و عرصه‌ها، از چالش اصلی و جنگ و جبهه‌محوری که دشمنان در هر زمان روی آن متمرکز شده و آن را در دستور کار خود قرار داده‌اند، درک عمیق و کاملی داشته باشد و با بصیرت و تمرکز بر تهاجم اصلی و محوری دشمنان، مراقب باشد در میدان و عملیات‌های فریب و فرعی مشغول نگردد و از جبهه اساسی و اصلی غافل نگردد.

با توجه به آنچه ذکر شد این سؤال مطرح می‌شود که در دهه چهارم انقلاب اسلامی که با اقبال بیداری امت اسلامی و ملت‌های کشورهای مختلف همراه است، اصلی‌ترین چالش و محوری‌ترین جنگ و تقابل جبهه استکبار با جبهه انقلاب اسلامی و نظام ولایی چیست و آنها در کدام عرصه و صحنه تمرکز و سرمایه‌گذاری بیشتری کرده‌اند؟ این مقاله ضمن پاسخ به سؤال مذکور، چرایی و چگونگی جبهه استکبار و کفر را در عملیات و تهاجم محوری و اصلی خود در عصر حاضر ارائه می‌کند.

تهاجم فرهنگی اصلی‌ترین راهبرد دشمن

گرچه سردمداران جبهه استکبار بارها گفته‌اند که همه گزینه‌ها را در مقابل انقلاب اسلامی روی میز دارند، لکن درک صحیح از واقعیات موجود و دلایل و شواهد فراوانی به جبهه انقلاب اسلامی می‌گوید، دشمن ناکام و شکست‌خورده در مقابله نظامی و اقتصادی و ناکام در تهدید و تحریم، بیشترین تمرکز و اهتمام خود را به جنگ با مبانی و اصول و تهاجم فرهنگی اختصاص داده و به خیال خود می‌خواهد روح و نرم‌افزار انقلاب را از آن بگیرد و با تصرف در اراده امت انقلابی و ایجاد تغییر در محاسبات مسئولان و مردم، موتور انقلاب را خاموش و ارکان آن را در هم بشکند و به تعبیر زیبای مقام معظم رهبری، کاری کنند که جمهوری اسلامی نخواهد بر گفتمان و اصول خود استقامت کند؛ چون اگر نخواهد می‌تواند. (برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان نظام ۱۳۹۳/۴/۹)

علت تمرکز و اولویت جبهه استکبار بر جنگ فرهنگی - چنان که اشاره شد - ناکامی و نتیجه نگرفتن آنها در تقابل نظامی و اقتصادی و بی‌اثر بودن حربه تهدید، تطمیع و تحریم نسبت به جبهه انقلاب اسلامی می‌باشد که آنها را به این جمع‌بندی رسانده که حمله به جسم و پیکر انقلاب اسلامی جواب نمی‌دهد - بلکه جواب معکوس می‌دهد - و باید جان و روح انقلاب و اراده انقلابی و اسلامی را مورد حمله و تهاجم قرار دهند و کاری کنند که مسئولان و به تبع آنها، مردم انقلابی در مقابل جبهه انقلاب اسلامی قرار گرفته و آن را متوقف سازند. این واقعیتی است که هم رفتار و عملکرد آنها به خوبی نشان می‌دهد و هم اتاق‌های فکر و کارشناسان جبهه استکبار بارها به آن تصریح کرده‌اند و هم انسان‌های بصیر در جبهه انقلاب اسلامی و محیط بر نقشه‌های دشمنان، به خوبی آن را درک و تبیین کرده‌اند که در رأس آنها

رهبر فرزانه، حکیم و مسلط بر واقعیات خارجی و توطئه‌های جبهه استکبار بارها هشدار داده و امت انقلابی را به هوشیاری و بصیرت و مقابله با جبهه خطرناک جنگ فرهنگی و نرم دشمنان سفارش کرده‌اند.

هدف‌گیری جبهه استکبار در جنگ فرهنگی و نرم

جهت‌گیری و اهداف مورد تهاجم فرهنگی، زدن نقاط قوت جبهه انقلاب اسلامی و نرم‌افزارهایی است که آن را غیرقابل کنترل و یا تحریف کرده است. مهم‌ترین نقاط و اهدافی که مورد حمله و بمباران فرهنگی قرار داده‌اند عبارت است از:

۱. اسلام ناب و انقلابی

جبهه استکبار به خوبی می‌داند که موتور حرکت و قوه محرکه انقلاب ما، اسلام ناب و طاغوت‌ستیز است؛ اسلامی که سیاست را جزء تفکیک‌ناپذیر هدایت دینی می‌داند و تلاش و مجاهدت برای استقرار حاکمیت خدا و نفی سلطه و حکومت مستکبران را تکلیف شرعی و انسانی پیروان خود قرار داده است؛ اسلامی که اعتماد به خدا و بی‌اعتمادی به قدرت‌های استکباری و دفاع از مظلومان و مبارزه مستمر با ظالمان و مستکبران را در سرلوحه معارف و تعالیم خویش معرفی می‌کند و روحیه انقلابی و جهادی را در مسلمانان شکوفا و پرفروغ می‌سازد.

دشمنان انقلاب اسلامی این واقعیت را درک کرده‌اند که عامل اصلی همه پیروزی‌ها، موفقیت‌ها، پیشروی‌ها، تبدیل تمام تهدیدها به فرصت‌ها و عبور موفق و سربلند انقلاب اسلامی از تمام گردنه‌ها و پیچ‌های خطرناک و فتنه‌ها و همینطور عامل اساسی مقاومت و ایستادگی امت انقلابی، همین روحیه اسلامی و تقید و تعبد به اسلام ناب می‌باشد و لذا اسلام را هدف گرفته و به خیال خود می‌خواهند این موتور تحرک‌آفرین و نورافکن روشن‌کننده فضا را خاموش سازند و از روش‌ها و ابزارهای مختلف برای زدن اسلام ناب استفاده می‌کنند که در بخش بعدی به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۲. ولایت محوری

اسلام، موتور حرکت می‌باشد و انگیزه و تحرک‌آفرین است؛ لکن عاملی که این حرکت و شوق و انگیزه را جهت داده و در مسیر صحیح و صراط مستقیم قرار می‌دهد و مانع خروج از

جنگ فرهنگی استکبار: اهداف - راهبردها □ ۱۰۱

جاده اصلی و تحریف گشته، تضمین کننده تعالی و سعادت در این حرکت صعودی است، ولایت و رهبری می‌باشد که سکان‌دار و هدایت کننده حرکت انقلابی است. مادامی که امت بر محور ولایت حرکت کنند و در موضع‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌ها با او هماهنگ و همراه باشند، هرگز آسیب‌پذیر نبوده و فتنه‌ها و تهاجم فرهنگی نمی‌تواند آنها را از صراط مستقیم انقلاب خارج کند.

این واقعیتی است که دشمنان، آن را بارها مشاهده و تجربه کرده‌اند و بیشترین چیزی که آنها را رنج داده و ناکام ساخته همین پیوند عمیق و اعتقادی امت با رهبری بوده است و لذا در تهاجم فکری و فرهنگی، آن را نقطه هدف قرار داده و تلاش می‌کنند با درس گرفتن از اسلاف خود مردم را از رهبری جدا سازند؛ چراکه از یک سو ولایت بدون همراهی و حمایت و مجاهدت امت، اقتدار لازم را نداشته و فرصت اعمال مدیریت جبهه حق را نمی‌یابد و از سوی دیگر، امت بدون ولایت نیز برای استکبار خطرناک نبوده و نمی‌تواند در جبهه حق ثابت قدم بماند؛ اما هرگاه این دو با هم پیوند داشته باشند و مردم در فکر و عمل وابستگی کامل به ولایت و ولی امر داشته باشند هیچ قدرتی را توان مقابله با آنها نخواهد بود. با همین نگاه است که جبهه استکبار با تجمع همه توان و به کارگیری تمام امکانات تبلیغاتی، علمی و عملی تلاش می‌کند این پیوند را هدف حملات گسترده خود قرار دهد و اگر نمی‌تواند آن را قطع کند، لااقل تضعیف نماید.

۳. ارزش‌های انقلابی

جبهه استکبار با علم به اینکه آنچه روحیه انقلابی و جهادی و شور و حرکت قاطعانه را در امت و جوانان ما نهادینه و غیر قابل کنترل ساخته، ارزش‌ها و معیارهایی است که با انقلاب اسلامی متولد و رشد یافته، آنها را هدف حملات گسترده خود قرار داده است و به شیوه‌های مختلف ارزش‌هایی مثل شهادت‌طلبی، روحیه ایثارگری، اصالت دادن به معنویت و حیات اخروی، بی‌اعتنایی به زخارف مادی و خدامحوری به جای خودمحوری را مورد تهاجم قرار داده و به جای آن رفاه‌طلبی، تجمل‌گرایی، ابتذال فرهنگی، شهوت پرستی، بی‌تفاوتی در برابر منکرات و روحیه تساهل و تسامح را ترویج می‌دهد تا به این وسیله روحیه انقلابی و جهادی و بسیجی امت را بشکند و انقلاب را آسیب‌پذیر کند.

۴. گفتمان اصلی انقلاب اسلامی

دشمن به ستوه آمده از تبری و مرزبندی انقلاب اسلامی در مقابل جبهه استکبار و گفتمان مقاومت و سازش‌ناپذیری، چاره را در این دیده و می‌بیند که جهت‌گیری استکبارستیزی و گفتمان محوری انقلاب، یعنی گفتمان مقاومت و تسلیم نشدن در مقابل خواسته‌ها و حاکمیت مستکبرین را مورد تهاجم و حمله قرار دهد و با فشارها و جنگ روانی و تحریم اقتصادی، جبهه انقلاب و به ویژه مسئولین را متقاعد و مجبور سازد که تغییر در گفتمان و موضع‌گیری و جهت‌گیری را بپذیرند و قبول کنند که یگانه راه بقاء و استمرار حیات نظام جمهوری اسلامی، همراهی، هم‌کلامی و آشتی با کدخدای ادعایی جهان و نرمش در برابر قدرت‌های تأثیرگذار در مجامع بین‌المللی است. جبهه استکبار می‌داند که اگر گفتمان اصلی انقلاب، یعنی مقاومت و سازش‌ناپذیری شکسته شود زمینه و فرصت برای تحمیل خواسته‌ها و انحرافات دیگر فراهم گردیده و را نفوذ و کنترل انقلاب باز می‌شود.

۵. پیشرفت‌های علمی

در عصر جدید بزرگترین عامل اقتدار و استقلال همه‌جانبه یک نظام و برجسته‌ترین مصداق قدرت، علم و فن‌آوری و توانایی، بهره‌گیری و استخدام طبیعت و انرژی در عرصه‌های مختلف می‌باشد و مستکبران مدعی اربابی جهان برای دوام حاکمیت و سلطه خویش، تلاش می‌کنند این قدرت بی‌منازع را در انحصار خود داشته باشند و کشورهای دیگر را مصرف‌کننده و محتاج دستاوردهای علمی خودشان کنند. لذا یکی از هدف‌های مورد هجمه فرهنگی جبهه استکبار که به شیوه‌های مختلف انجام می‌گیرد پیشرفت‌های علمی و توانمندی فکری و دانشی جبهه انقلاب می‌باشد که مقابله با توانمندی انرژی هسته‌ای یکی از مصادیق آن می‌باشد.

۶. بُعد جهانی انقلاب اسلامی

از آنجا که انقلاب اسلامی و حرکت و جهت‌گیری آن، برخاسته از ماهیت دینی و اسلامی است، محدود به مرزهای ایران نمی‌باشد و با صدور فرهنگ و روحیه انقلابی، جبهه جدید و قدرتمندی را در سطح جهانی در مقابل استکبار و صهیونیسم و ایادی آنها تشکیل داده که با استقبال شگفت‌آور امت‌ها و مردم، به ویژه مسلمانان مواجه شده است که بیداری اسلامی و

خروش و فریاد آنها بر سر حاکمان مستبد و همین طور مستکبران و استعمارگران، ظهور و تجلی آغازین این جبهه جهانی و جهادی می‌باشد.

جبهه استکبار که شکل‌گیری جبهه متحد و جهادی و انقلابی در سطح جهان و منطقه را بزرگ‌ترین تهدید برای موجودیت خود می‌داند با احساس خطر تلاش می‌کند با به کارگیری انواع امکانات تبلیغاتی، رسانه‌ای و فرهنگی آن را مورد حمله و تهاجم قرار دهد و پس از آنکه نتوانست مانع شکل‌گیری بیداری و مرزبندی جبهه انقلابی و مبارزاتی ملت‌های مسلمان گردد به دنبال آن است که وحدت و انسجام و حرکت رو به جلوی آن را مورد تهاجم قرار داده و آن را اقدامی غیر کارآمد و بدون نتیجه معرفی کنند. (دکترین مہار انقلاب اسلامی که یکی از سه محور پروژه دِلتا (محصول اتاق فکر آمریکا) می‌باشد و می‌خواهد مانع گسترش و بزرگ‌تر شدن انقلاب اسلامی در سطح جهانی گردد در همین رابطه تدوین و مبنای عمل قرار گرفته است)

۷. بُعد مردمی جبهه انقلاب

جبهه استکبار با اذعان به این واقعیت که بزرگ‌ترین عامل اقتدار جبهه انقلاب و غیرقابل کنترل کننده حرکت شتابان آن، حضور با انگیزه، بصیرت، قاطعیت و روحیه جهادی مردم و امت مسلمان می‌باشد و پس از ناکامی پی در پی در تهاجم به انقلاب به این نتیجه و راهبرد رسیده است که انقلاب اسلامی و نظام ولایی را هیچ‌کس و هیچ قدرتی جز خود مردم و آنهایی که آن را اقتدار بخشیده‌اند، نمی‌تواند مغلوب یا متوقف سازد، به دنبال آن است که با بصیرت‌زدایی، تهدید، فشارهای اقتصادی و سیاسی و بیش از همه جنگ روانی و فرهنگی، این حضور و مشارکت را مورد تهاجم و هدف تیرهای خویش قرار دهد و کاری کند که با نافرمانی مدنی و خروج مردم به ویژه جوانان از جبهه انقلاب از آنها به عنوان پیاده‌نظام خویش استفاده کند.

راهبردهای عملیاتی جبهه استکبار

استکبار برای دستیابی به اهداف تعیین شده و ضربه زدن و تهاجم به هر کدام از این نقطه‌های هدف و محورهایی که بیان شد، کارشناسان و اطاق‌های فکر خود را فعال کرده تا نسبت به چگونگی و تدوین برنامه‌ها و راهبردهای عملیاتی راهکار ارائه کنند که خروجی آنها

راهبردها و اقدامات عملیاتی فراوانی بوده که به مدیران اجرایی، فرهنگی، تبلیغاتی، رسانه‌ای و سیاسی وابسته به جبهه استکبار ابلاغ شده است و برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. احیاء سکولاریسم

برای خاموش کردن موتور انقلاب، یعنی ماهیت اسلامی، مهم‌ترین راهبرد جبهه استکبار احیاء علمی و عملی سکولاریسم و محدود کردن اسلام و دین‌داری به امور عبادی و فردی (تجربه شخصی) است؛ اسلامی که ورود به سیاست و مسائل جهانی را ورود به منطقه ممنوعه و موجب شکسته شدن قداست دینی می‌داند و می‌گوید سیاست و حکومت را به اهل دنیا واگذار کنید. ترویج و تبلیغ دینداری منهای انقلاب، وحدت متحجرین سنت‌گرا با سکولارهای منفعل در برابر غرب، محدود کردن ولایت و امامت به امور معنوی نه رهبری سیاسی، مخالفت با احکام و شریعت اسلامی (مثل لایحه قصاص) انکار و زیر سؤال بردن ارزش‌های اسلامی در صحنه هنر و هنرمندان، محدود کردن رسالت دینی به حوزه‌های علمیه و انکار وظیفه مسئولین و مدیران در رابطه با امور فرهنگی و دینی، مخالفت با اقدامات حاکمیت در مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی و اصل امر به معروف و نهی از منکر، ناتوان، غیر علمی و ناکارآمد معرفی کردن دین در اداره جامعه و دهه‌ها نمونه دیگر از مصادیق اقدامات آنان است تا سکولاریسمی که به وسیله انقلاب اسلامی در ایران سرنگون و در جهان به چالش کشانده شده را احیا و زنده کنند.

۲. ترویج لیبرالیسم فرهنگی و ابتذال اخلاقی

عامل حضور آگاهانه و مقتدرانه امت اسلامی به ویژه جوانان در صحنه مبارزه و جهاد با استکبار، ایمان، ارزش‌های معنوی، اعتماد به نفس و تقید به دستورات اخلاقی اسلام می‌باشد و جبهه استکبار با آگاهی و وقوف به این واقعیت همواره به دنبال این بوده و هست که با شعارهای انحرافی مثل آزادی اخلاقی و رفتاری به سبک غربی، تساهل و تسامح فرهنگی، فمنیسم، اومانیزم، ترویج شهوترانی و مفاسد اخلاقی، لاقیدی و بی‌تفاوتی نسبت به مظاهر فساد و ارتباط پسر و دختر، روحیه سلحشوری، ایثارگری، شهادت‌طلبی و روحیه جهادی و انقلابی را خاموش و ضد ارزش‌ها را جایگزین آنها کند که جلوه‌های آشکار و پنهان آن را به‌خوبی مشاهده می‌کنیم.

۳. نفوذ در حاکمیت

یکی از راهکارهای جبهه استکبار برای استحاله و آسیب‌پذیر کردن جبهه حق، نفوذ دادن و به کار گرفتن عناصری است که به عنوان پیاده نظام او بتوانند مجری خواسته‌ها و نقشه‌های استکبار باشند و دانسته یا ندانسته جبهه انقلاب را از درون تضعیف، متزلزل و گرفتار آفت و آسیب نمایند. احیاء جریان روشنفکری منفعل و بعضاً وابسته به غرب، بازگشت فراریان و فتنه‌گران و تصدی‌گری آنها در مناصب مدیریتی، فرهنگی و دانشگاه‌ها و جرأت و فرصت دادن به قلم به دستان سکولار، بخشی از استراتژی دشمنان برای نفوذ در حاکمیت و منزوی نمودن نیروهای مؤمن و انقلابی است که متأسفانه با غفلت برخی از مسئولان و مدیران عالی دولتی همراه است.

۴. تلاش برای حاکمیت چندگانه یا دوگانه

کارگردانان جبهه استکبار با وقوف به نقش تعیین کننده ولایت فقیه در هدایت، مدیریت و انسجام بخشی جبهه انقلاب، تلاش می‌کنند با تهاجم رسانه‌ای و فضا سازی‌های دروغین، میزان نفوذ رهبری را کاسته و با شخصیت‌سازی‌های کاذب و مطرح کردن و محوریت دادن به برخی خواص که تحت تأثیر خصوصیت‌های فردی و حمایت‌های فریبکارانه بعضی از گروه‌های سیاسی، زمینه و قابلیت همراه کردن بخشی از مردم و جریان‌ها را با خود دارند، گفتمانی غیر از گفتمان رهبری را رواج دهند و جبهه انقلاب را گرفتار تشتت در رهبری نمایند و مرکزیت و محوریت ولایت فقیه را مخدوش کنند.

۵. ترویج بی‌تفاوتی به آرمان‌ها و اصول انقلاب

یکی از مهم‌ترین راهبردهایی که جبهه استکبار در تهاجم فکری و فرهنگی در دستور کار خود قرار داده این است که با طرح مباحثی مثل اینکه احکام اسلامی و دینی در عصر حاضر کاربرد و قابلیت اجرا ندارد، عصر امام خمینی مختص خود او بوده و به پایان رسیده است، هماهنگی با سیاست‌های جهانی اجتناب ناپذیر است، تحول و تغییر در آرمان‌ها، اصول و جهت‌گیری نظام یک ضرورت است و امثال اینها، امت انقلابی و به ویژه مدیران و خواص تأثیرگذار را نسبت به آرمان‌ها، ارکان و مبانی انقلاب اسلامی و نظام ولایی متزلزل و گرفتار تردید یا بی‌تفاوتی سازد. در این تهاجم نیز گاهی از مجتهدنماهای منفعل در برابر دموکراسی غربی و یا روشنفکرانی که

مدینه فاضله را در غرب می‌دانند بیشترین استفاده را کرده و می‌کند و اصولی مانند ماهیت دینی انقلاب، استکبارستیزی، تکلیف‌گرایی و تعبد و تقید به شریعت اسلامی، مردم‌سالاری دینی، رسالت انقلاب در بُعد جهانی، استقلال همه‌جانبه، ولایت محوری، تکیه بر توان داخلی و ... را مورد هجمه قرار داده و غیرکارآمد و عامل انزوای نظام معرفی می‌کند.

۶. ایجاد و تشدید اختلافات داخلی

از برنامه‌ها و اقدامات همیشگی و سابقه‌دار جبهه استکبار، درگیر کردن جبهه انقلاب و مسلمانان به منازعات داخلی و تشدید و دامن زدن به اختلافات فکری و عملی خودی‌ها است تا آنها را از دشمن اصلی و نقشه‌ها و توطئه‌های استکبار غافل نمایند که متأسفانه با غفلت و بی‌بصیرتی مسلمانان و جمود فکری آنان در بسیاری از موارد موفق هم شده‌اند. شدت گرفتن اختلافات مذهبی، حزبی، نژادی، تعصب‌های قومی و جدایی حوزه‌های علمیه از دانشگاه‌ها از مصادیق این راهبرد عملیاتی دشمنان می‌باشد. سرمایه‌گذاری و تمرکز جبهه استکبار روی این راهبرد به دلیل آن است که آنها به خوبی می‌دانند یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت و پویایی جبهه انقلاب، وحدت و انسجام امت اسلامی و انقلابی است.

۷. تطهیر چهره استکبار

در عصر استعمار نو، جبهه استکبار برای اینکه به راحتی بتواند اهداف، جهت‌گیری‌ها و خواسته‌های خویش را به ملت‌ها و کشورهای مسلمان تحمیل کند نیازمند آن است که چهره‌ای مقبول، معقول و حق به جانب داشته باشد. لذا تلاش می‌کند با به کارگیری و استخدام قلم به دستان مزدور و روشنفکران وابسته به غرب، ظاهری انسان دوستانه، مردمی و طرفدار حقوق بشر از حاکمیت غرب و مستکبران ارائه کند و به خیال خود با آرایش و بزرگ کردن و تطهیر چهره زشت آمریکا و انگلیس به جوانان این‌گونه القا کند که برای پیشرفت و دستیابی به تمدن و تأمین حقوق و نیازهای اجتماعی و اقتصادی و بهره‌مندی از رفاه عمومی راهی جز همراهی و پذیرفتن کدخدایی آنها و جود ندارد و با نمایش دشمن به عنوان دوست، انفعال را جایگزین مقاومت و خوش‌خیالی، و خوش‌بینی را جایگزین بدبینی به استکبار قرار دهد.

۸. القاء تقابل‌های دروغین

یکی از شیوه‌های قدرت‌های استکباری که بعد از رنسانس در غرب جواب داد و آنها برای تحمیل فرهنگ خود به دیگر کشورها دنبال کردند، غیر قابل جمع بودن ارزش‌های اسلامی و دینی و تقابل فضایل معنوی با پیشرفت و رفاه عمومی و بهره‌مندی از منابع مالی و مادی و آبادی دنیا است. لذا سؤالاتی این‌چنین مطرح می‌کنند: خدا یا انسان، استقلال یا پیشرفت، حق یا تکلیف، تعبد یا تعقل، علم یا ایمان، آزادی یا بندگی الهی (تتوگراسی) یا مردمی (دموکراسی) و آنها با این تقابل‌های دروغین می‌خواهند ملت‌ها را وادار کنند تا برای دستیابی به علم، دنیای آباد، عقلانیت، پیشرفت، آزادی، حقوق همگانی، از ارزش‌ها و باورهای دینی تحرک آفرین فاصله گرفته و دست بکشند در حالی که در فرهنگ اسلامی همه این تقابل‌ها، کاذب و دروغین می‌باشد و نه تنها فاصله و تباینی بین آنها وجود ندارد بلکه آنها با هم و مکمل یکدیگر می‌باشند.

۹. تضعیف نهادهای انقلابی

جبهه‌گیری، تهاجم و تضعیف نهادهای انقلابی و سنگ‌نشین انقلاب و مدافع نظام ولایی از دیگر راهبردهای عملیاتی جبهه استکبار است که همواره به آن توجه و اهتمام زیادی نموده و ایادی و پیاده نظام خود را در تحقق آن به کار گرفته‌اند؛ مانند تضعیف نهادهای منتسب به رهبری مثل شورای نگهبان که ضامن اسلامیت قوانین می‌باشد و سپاه پاسداران که خط مقدم پاسداری و نگهبانی از انقلاب و دست‌آوردهای آن در عرصه‌های مختلف را بر عهده دارد و بیش از همه بسیج که تضمین‌کننده حضور سازمان‌دهی شده و مقتدر اقشار و آحاد مردم در دفاع از جبهه انقلاب و ارزش‌های اسلامی می‌باشد و همین‌طور ترور شخصیت و حمله به خواص و افراد همسو و همراه با رهبری به شیوه‌های مختلف.

۱۰. غیر کارآمد معرفی کردن مقاومت و ایستادگی

جبهه استکبار با اذعان به اینکه یکی از عوامل مهم موفقیت و پیروزی جبهه انقلاب اسلامی مقاومت و سازش‌ناپذیری آن در برابر دشمنان بوده است و با نگرانی از اینکه کشورها و ملت‌های دیگر نیز از ایران اسلامی الگو گرفته و گفتمان مقاومت، همگانی و فراگیر شود - چنانکه این‌گونه شده و شاهد ایستادگی و تبری مردم در کشورهای مختلف نسبت به

زیاده‌خواهی استکبار هستیم - تلاش می‌کند با تصرف در افکار و تغییر محاسبات و به کارگیری سیاست چماق و هویج، این‌گونه القا کند که گفتمان مقاومت نتیجه‌ای نداشته و تحریم و انزوا را به دنبال دارد.

آنچه آمریکا و همراهانش از مذاکره با ایران دنبال می‌کنند آن است که به نهضت‌های بیداری و حرکت مردمی در نقاط مختلف و کشورهای دیگر این پیام را بدهند که ایران با بیش از سه دهه مقابله و مقاومت در برابر آمریکا ناچار شد از گفتمان مقاومت دست برداشته و مذاکره و سازش را بپذیرد؛ پس شما هم حساب کار خود را کرده و بدانید پایان کار همه انقلاب‌ها همین سازش و کوتاه آمدن در برابر کدخدای جهان است و در مسیری که نتیجه ندارد گام نگذارید و به این وسیله اولاً مانع نهادینه شدن گفتمان مقاومت گردند و ثانیاً حیثیت و اعتبار انقلاب اسلامی را مخدوش و جلوی الگو شدن آن را (به خیال خود) بگیرند.

۱۱. نافرمانی مدنی

یکی از مهم‌ترین محورهای جنگ نرم و فرهنگی جبهه استکبار ایجاد شکاف و فاصله بین رهبران و مدیران نظام ولایی در سطوح مختلف با مردم و سازمان‌دهی نافرمانی مدنی در اقشار مختلف نسبت به حاکمیت است. لذا از یک طرف با مشغول کردن مسئولان (به ویژه در سطوح میانی) به امور فرعی و گرفتار کردن آنها به لغزش‌های اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و جناحی مانع تمرکز آنها بر خدمت‌رسانی صادقانه و مدیریت جهادی گشته و چهره آنها را بین مردم تخریب می‌کند و از طرف دیگر با بی‌اعتماد و ناامید ساختن مردم از عملکرد مسئولان، میزان مقبولیت و همراهی و مشارکت عمومی را کاهش داده و تلاش می‌کند مردم را مقابل نظام ولایی قرار دهد و انقلاب و نظام ولایی را در تأمین منافع عمومی غیر موفق و ناکارآمد معرفی کند و به این وسیله جبهه انقلاب را از حضور و مشارکت شگفت‌آور و پیروزی‌آفرین مردم خالی سازد.

۱۲. هویت‌زدایی

کارگردانان جبهه استکبار با آگاهی از اینکه هویت اسلامی و اعتماد به نفس و باور عمومی فرهیختگان به اینکه ما می‌توانیم با فرهنگ اسلامی به قله‌های بلند پیشرفت و تمدن برسیم، مهم‌ترین عامل حیات، پویایی، استحکام و نفوذناپذیری جبهه انقلاب می‌باشد در جنگ

فرهنگی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که این هویت و خودباوری و روحیه استقلال‌طلبی را به شیوه‌های مختلف مورد تهاجم قرار دهند؛ گاهی با به‌سخره گرفتن سبک زندگی اسلامی، تحقیر سنت‌های ایرانی اسلامی، متحجرانه و ارتجاعی معرفی کردن آموزه‌های دینی و گاهی با تبلیغ و زیانمایی فرهنگ غربی و ترویج سبک زندگی در کشورهای غربی و اروپایی می‌خواهند روحیه انفعال و تقلید از سبک غرب را جایگزین سبک زندگی اسلامی کرده و به جوانان القا کنند که نوگرایی و پیشرفت و دستیابی به تمدن واقعی، جز با پشت کردن به داشته‌های خود و روی آوردن به سبک زندگی مدرن و غربی امکان ندارد.

۱۳. مشروع جلوه دادن دخالت در کشورهای دیگر

مستکبران بر اساس خوی استکباری و برتری‌طلبی، کدخدایی، قیومیت و اربابی جهان را حق خود دانسته و این‌گونه القاء می‌کنند که دخالت آشکار و پنهان آنها در کشورهای دیگر، حق بلکه وظیفه آنها بوده و در راستای دفاع از حقوق بشر، تحقق دموکراسی، نهادینه سازی نظم نوین جهانی، مبارزه با تروریسم و خدمت به مردم می‌باشد. لذا با همین توجیه از یک سو با صراحت از جریان‌های معاند، فتنه‌گر، ساختارشکن و انحرافی که در مقابل انقلاب اسلامی قرار دارند حمایت فکری و عملی می‌کنند و از سوی دیگر با نفوذ و مدیریت مجامع جهانی و بین‌المللی، آنها را برای سیاست‌های مداخله‌گرایانه خویش در کشورهای اسلامی همراه و هم‌صدا می‌کنند. حمایت آشکار آمریکا و صهیونیسم از فتنه‌گران، تکفیری‌ها، اصلاح‌طلبان سکولار، گروه‌های منافق و معاند با نظام جمهوری اسلامی از مصادیق همین دخالت مستکبرانه است که با توجیه خدمت به بشریت و مردم ایران! انجام می‌گیرد؛ لکن جای شگفتی است که چرا این توجیه غلط و تفکر متکبرانه را برخی نیروهای داخلی و خواص پذیرفته و دعوت‌کننده و پذیرای دخالت استکبار در امور کشورشان هستند.

۱۴. اسلام‌هراسی

جهان سلطه و جبهه استکبار با اعتراف به اینکه حرکت انقلابی و جهادی و روحیه ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی امت‌ها در تعالیم اسلامی ریشه دارد، در تهاجم فرهنگی و نرم تلاش می‌کند در سطح جهانی چهره‌ای خشن و غیرمنطقی و ارتجاعی از اسلام ارائه کند و با ایجاد یا

حمایت و میدان دادن به گروه‌های انحرافی، متحجر، دارای جمود فکری و خشن مثل طالبان، تکفیری‌ها و داعش، آنها را نمود اسلامیت معرفی کند و اسلام‌هراسی و ترس از حاکمیت دینی را در کشورهای مختلف نهادینه سازد و با نسبت دادن اقدامات ضد بشری و تروریستی به مسلمانان که خود کارگردانی و انجام می‌دهد - مثل حادثه ۱۱ سپتامبر - اسلام را عامل بی‌ثباتی و بی‌امنیتی و حرکت‌های انحرافی نشان دهد.

چنان که در داخل با به کارگیری ایادی و قلم به دستان مزدورش، همه نابسامانی‌ها و مشکلات را معلول اسلامیت نظام تقید به شریعت الهی معرفی کرده و راهکار رهایی از آنها را اسلام‌گریزی جلوه دهد. از آنجا که در مبانی تشیع و تعالیم اهل بیت و اسلام ناب، نفی حاکمیت و سلطه غیرالهی و مبارزه با مستکبران جلوه بیشتری یافته و قوی‌تر است، جبهه استکبار در کنار اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و به دنبال آن، انقلاب‌هراسی را در دستور کار خویش قرار داده و به شیوه‌های مختلف آن را تبلیغ می‌کند.

البته استکبار با حقیقت اسلام و دینی که برای آنها خطرناک و مزاحم باشد مشکل دارند، نه اسلامی که با زیاده‌خواهی‌ها و سلطه آنها همراه و بلکه توجیه کننده روش ظالمانه آنها باشد و لذا استفاده از اسلام آمریکایی علیه اسلام حقیقی را به عنوان یک تاکتیک بارها مورد استفاده قرار داده‌اند.

۱۵. منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی و نظام ولایی ایران به عنوان مرکز و عامل اصلی روشننگری و بیداری اسلامی و پرچمدار جبهه مقابله و مبارزه با استکبار، همیشه مورد خشم و دشمنی مستکبران به ویژه صهیونیسم و رژیم آمریکا بوده و این نگرانی که الگوی کشورهای دیگر گردیده و آنها هم مُدل نظام اسلامی را از ایران بگیرند، آنها را رنج داده و می‌دهد؛ مخصوصاً با اقبال ملتها و فراهم شدن مقدمات آن در برخی کشورهای اسلامی. لذا تلاش می‌کنند با تهاجم تبلیغاتی و رسانه‌ای و استفاده ابزاری از مجامع جهانی مثل سازمان ملل، سازمان حقوق بشر، سازمان انرژی هسته‌ای و امثال آن، جمهوری اسلامی را منزوی کرده و به حاشیه برده و از درخشش و تابیدن نور آن بکاهند و مانع رسیدن پیام استقلال، بیداری و عزت و اقتدار آن به کشورها و ملت‌های دیگر شوند.

نتیجه

آنچه به اجمال بیان شد تنها برخی از اقدامات برنامه‌ریزی شده جبهه استکبار در جنگ فرهنگی و مقابله با نرم‌افزار انقلاب اسلامی بود و مصادیق و موارد دیگری از این راهبردهای عملیاتی وجود دارد که چشم حقیقت‌بین و بصیر رهبری و امت انقلابی از آنها غافل نمی‌باشد مانند:

ایجاد و حمایت از نفاق جدید، مانع تراشی در مسیر پیشرفت‌های علمی، ایجاد گسست اجتماعی، حمله و تضعیف نظام ولایی، جهانی‌سازی فرهنگ غربی، به انحراف کشاندن احساسات دینی به سوی عرفان‌های کاذب، بزرگنمایی ضعف‌ها و نارسایی‌های داخلی، بحران‌سازی، القای اینکه کشور ایران در لبه پرتگاه قرار دارد، ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی، بالا بردن سطح توقعات عمومی، ترور شخصیت‌های خاص ثابت قدم ولایی، نارضایت‌سازی، تضعیف تکیه بر توانمندی‌های داخلی و ترویج چشم به بیرون داشتن که برای تحقق این برنامه‌ها و اقدامات دشمنانه، اتاق‌های فکر، رسانه‌های خبری، هنر و فیلم، نویسندگان و گویندگان مزدور، حاکمان مستبد کشورهای اسلامی، ثروت کشورهای عربی و احزاب سکولار و دلبسته به زخارف دنیوی را به استخدام درآورده و مأمور اجرای نقشه‌های خویش ساخته است.

اما آنچه موجب شده استکبار با همه سرمایه‌گذاری‌های فکری، عملی، مالی و تبلیغاتی نتواند حرکت شتابنده انقلاب را متوقف سازد و جبهه انقلاب همه تهدیدها را به فرصت تبدیل کند، بصیرت همراه با استقامت و روحیه جهادی و انقلابی رهبری و امت می‌باشد که در برابر جنگ فرهنگی استکبار، جهاد فرهنگی را مینا قرار داده‌اند و البته شایسته است الزامات جهاد فرهنگی به صورت مستقل مورد تحلیل قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. حاجی صادقی، عبدالله، ۱۳۸۳، *آسیب شناسی ارکان انقلاب*، قم، زمزمه هدایت.
۴. _____، ۱۳۸۹، *ولایت محوری، چیستی چرایی و چگونگی*، قم، زمزمه هدایت.
۵. روزنامه‌های کثیرالانتشاری که سخنان مقام معظم رهبری را منعکس کرده‌اند.
۶. شریفی، احمد حسین، ۱۳۸۹، *جنگ نرم*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۷. بی‌نا، ۱۳۷۵، *فرهنگ و تهاجم فرهنگی*، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

ضرورة الحكم الديني مع التأكيد علي محورية سلطة الفقه الاجتماعي

روح الله شاكري زواردهي^١ / مرضيه عبدلي مسينان^٢

الخلاصة: الفقه الاجتماعي يدور حول السلطة في ذاته، بمعنى ان تطبيق العديد من احكام الاسلام يتوقف على وجود حكومة وسلطة. ومن جانب آخر، فان اهداف الفقه الاسلامي لها ماهية حكومية. لذلك، فان تحقيق هذه الاهداف رهن - فقط - بوجود حكومة دينية. حيث انه وبفقدان الحكومة الدينية الصالحة، تتعطل العديد من احكام الاسلام او تطبق بشكل ناقص. وفي الحقيقة، بين الفقه الاسلامي والتدين من جهة والحكومة والسلطة من جهة اخرى رابطة غير قابلة للفصل. ويسعى هذا المقال، من خلال نظرة اجمالية الي بعض الاحكام الاجتماعية الاسلامية واهداف الفقه، الي اثبات ضرورة الحكومة الدينية من اجل تحقيق اهداف الفقه وتطبيق احكامه.

الكلمات المفتاحية: الحكومة، الاسلام، الفقه الاجتماعي، الاحكام.

الأسس والأدلة التي تقوم عليها المادة ١٤١ من دستور الجمهورية الاسلامية الایرانية (منع الجمع بين المشاغل)

فيروز اصلاني^٣ / عبد المجيد رحمانيان^٤

الخلاصة: المادة ١٤١ من دستور الجمهورية الاسلامية الإيرانية، من المواد الاساسية والتي تمنع الجمع بين عدة مشاغل. ولهذه المادة اساس ومبنى شرعي، قانوني، فكري، فلسفي وتاريخي. ومن اجل منع قيام شخص بعدة مشاغل واعمال، هناك ادلة متعددة جرى بيانها، من جملتها: الحيلولة دون توقف الاعمال، الحيلولة دون احتمال اعمال النفوذ، العدالة في التوظيف والعمل، الحيلولة دون تضييع بيت المال، تنمية القابليات، واحترام التخصص. كما ان الاهتمام بهذه المادة يعد امرا مهما للغاية من اجل اقامة مجتمع سليم.

الكلمات المفتاحية: المشاغل، فصل السلطات، عدالة التوظيف، المادة ١٤١ من دستور الجمهورية الاسلامية الإيرانية.

١. استاذ مساعد في جامعة طهران.

٢. ماجستير في علم الكلام، مجمع فارابي التابع لجامعة طهران.

٣. استاذ مساعد في جامعة طهران.

٤. طالب دكتوراه قانون عام بجامعة طهران.

u.abdoli@gmail.com

aslanif@ut.ac.ir

مساحات النزاع بين خطابي العولمة والاسلام السياسى مع التاكيد على آراء الامام الخمينى قده وسيد قطب

مرتضى شيرودى^١ / على عنبر^٢

الخلاصة: خطابا العولمة والاسلام السياسى يستعينان من اجل هيمنة الهوية التى يطرحها كل منهما على معانى خاصة من العلامت المطروحة على الساحة الحياتية، لكن مساحات النزاع بينهما من خلال رؤية الامام الخمينى قده وسيد قطب لا تزال غامضة وغير واضحة... ومن هذا المنطلق سنواجه هذا التساؤل: ما هى مساحات او مناطق النزاع بين خطابي العولمة والاسلام السياسى فى ضوء آراء الامام الخمينى قده وسيد قطب؟ يظهر ان الخطابين مختلفان فيما يتعلق بالسلطة، العدالة، المشاركة، التنافس وغيرها. والهدف من هذا المقال هو بيان عدم الانسجام القائم بين الخطابين فى الظاهر والمضمون من خلال تحديد مساحات النزاع بينهما.

الكلمات المفتاحية: الامام الخمينى، سيد قطب، النزاع، الخطاب، العولمة، الاسلام السياسى.

الانتقال من العلوم السياسية الغربية الى العلوم السياسية الاسلامية من منظار سماحة قائد الثورة

فريبا سادات محسنى سهى^٣

الخلاصة: يسعى هذا المقال الى معرفة اكثر برؤية سماحة قائد الثورة فى مجال الانتقال من العلوم السياسية الغربية الى العلوم السياسية الاسلامية، باعتبارها خطوة مؤثرة فى تنفيذ مشروع التطور العلمى فى البلاد. لذلك تسعى الكاتبة ومن خلال منهج التحليل المضمونى للمعطيات الاساسية، الى استخراج رؤى ومواقف سماحته من بين الخطابات والوثائق والمواقف التى صدرت عنه فى مجال العلم والتقنية و...، وبالتالي بيان النموذج المفهومى للانتقال من العلوم السياسية الغربية الى العلوم السياسية الاسلامية. وستكون النتائج فى محاور مثل: الشروط، الارضيات، الاستراتيجيات العامة، والاجراءات الوطنية المناسبة التى تحتاجها عملية الانتقال هذه، مدخلا للعلماء والباحثين والمسؤولين المعنيين.

الكلمات المفتاحية: سماحة قائد الثورة، العلوم السياسية الغربية، العلوم السياسية الاسلامية، القيم الاساسية، نهضة البرمجيات، التعامل البناء.

dshirody@yahoo.com

١. استاذ مساعد فى معهد الامام الصادق عده العالى.

alianber.84@gmail.com

٢. ماجستير فى التاريخ المعاصر للبلدان الاسلامية، جامعة المصطفى عده.

mohseni_sadat@yahoo.com

٣. طالبة دكتوراه علوم سياسية بجامعة طهران.

الحرب الثقافية للمستكبرين: الاهداف والاستراتيجيات

عبد الله حاجي صادق^١

الخلاصة: جبهة الاستكبار في مواجهة دائمة مع جبهة الثورة الاسلامية، وبسبب فشلها في مجالات الحرب الصلدة او شبه الصلدة، فانها جعلت أهم محاور هجومها في الحرب الثقافية واستهداف الأسس والاركان التي تقوم عليها الثورة الاسلامية، مثل الماهية الدينية، محورية الولاية، الروح الجهادية والثورية، خطاب الثورة الاسلامية وغير ذلك، ومن خلال ادوات متعددة ومتنوعة، وصفت استراتيجيات تنفيذية لتطبيق هذا الهجوم البرمجي والقيمي ضد اسس واركاب الثورة. وبما ان فهم مختلف ابعاد الحرب الثقافية التي يقوم بها الاستكبار بشكل عميق، يعد من أهم مصاديق البصيرة والشرط الاساس في الدفاع عن الثورة الاسلامية، فقد بدأ المقال بتحديد سبعة أهداف ومنافذ لهجوم الاعداء الثقافي، ثم جرى بيان الاستراتيجيات التنفيذية التي يتبعها الاستكبار بشكل عام.

الكلمات المفتاحية: الحرب الثقافية، جبهة الاستكبار، الثورة الاسلامية، الاستراتيجيات التنفيذية.

دراسة مقارنة للتنظيمات اليسارية في خمسينيات وسبعينيات القرن الماضي

محمد رضا حاتمي^٢ / روح الله لطفى زاد^٣

الخلاصة: الاتجاهات الفكرية التنويرية في الخمسينيات بايران، وكالعديد من بلدان العالم الأخرى، يعد نوعا من النضال ضد الرأسمالية الاميركية. لذلك نرى ان التيار التنويري اليساري في الخمسينيات، ومثاثر بنحو ما بالنضال العالمي. في حين ان التيار الحزبي اليساري ينظر دائما الى خارج الحدود ويستلم اوامره وكراساته مباشرة من موسكو. في السبعينيات قام حزب تودة وتنظيمات ماركسية اخرى ومن اجل الحصول على قاعدة اجتماعية، بعملية التقاطية تجمع بين الاسلام والماركسية! كانوا يعدون انفسهم في اوكار تنظيمية وينفذون اغتيالات ثورية ويقومون باعمال كما حصل في غابة "سياهكل"، لكن أزمة وفتنة ٤ فبراير/ شباط (١٩٨٠) ومن ثم هروب بنى صدر من ايران ما تلى ذلك من تطورات ورفض اهلية مرشحهم في الانتخابات، جعل القوى اليسارية تنزل الى الشارع. ودراسة التطورات التي واجهتها هذه التنظيمات وأوجه التشابه في ادائها وسلوكها خلال عقدي الخمسينيات والسبعينيات، هو هدف هذا المقال.

الكلمات المفتاحية: حزب تودة، الماركسيون، الهوية، انتفاضة النفط، التنوير، الاتجاهات اليسارية.

yamahdi433@mihanmail.ir

١. استاذ مساعد بمجمع الشهيد محلاتي للتعليم العالى.

hatami5@yahoo.com

٢. استاذ مساعد بجامعة "بيام نور".

lotfizad_58@yahoo.com

٣. طالب دكتوراه معارف اسلامية - جامعة "بيام نور" طهران.

العلاقة بين الاقتدار والمرجعية العلمية والتقانية... والاقتدار والأمن القومى للجمهورية الاسلامية الايرانية

فرهاد رهبر^١ / حسن حسين زاده^٢

الخلاصة: مع الأخذ بالتأكيدات المستمرة لقائد الثورة حول تحقيق المرجعية العلمية والتقانية فى العالم، وايضاً وفقاً للحديث المروى عن أمير المؤمنين عليه السلام والذى يشير فيه الى مكانة العلم ودوره فى الاقتدار والقوة، يسعى الباحثان ومن خلال المنهج التركيبى من دراسات مكتبية ومتابعات ميدانية، الى دراسة العلاقة بين الاقتدار والمرجعية العلمية والتقانية وتأثيرها على الأمن القومى. ومع الأخذ باختبارات الفرضية، يقدم البحث احصائيات عن معطيات الاستبيان حول حصول الجمهورية الاسلامية الايرانية على الاقتدار العلمى وفى النهاية المرجعية العلمية والتقانية فى العالم مع شروحات فى طيات المقال، وتأثير ذلك على ايجاد الاقتدار وضمان الأمن القومى.

الكلمات المفتاحية: المرجعية العلمية والتقانية، انتاج العلم، الاقتدار، الاقتدار العلمى، الأمن القومى.

دراسة عناصر الدبلوماسية الاقليمية للثورة الاسلامية وتقديم استراتيجية

غلام رضا كريمى^٣ / حسين على توتى^٤

الخلاصة: هذا البحث ومن خلال طرح هذا السؤال، وهو: ما هى المكانة التى حققتها الدبلوماسية الاقليمية للثورة الاسلامية الايرانية فى النظام القائم بالشرق الأوسط وفى ايجاد نموذج اقليمى جديد؟ يصل الى هذه الاجابة، وهى: بالنظر الى أهمية منطقة الشرق الأوسط باعتبارها الدائرة الاولى لعمق الاستراتيجية الدبلوماسية الايرانية، وبسبب طبيعة الثورة الاسلامية، فان لايران قدرات كامنة فى مختلف مجالات الثورة الناعمة فى هذه المنطقة. وبعد الموجة الاخيرة للصحة الاسلامية ايضا، فان تأثر هذه الانتفاضات والحركات والبلدان الشرق أوسطية بطبيعة القوة الناعمة للثورة الاسلامية، قابله اتجاهات غريبة من القوة الناعمة، تقوم على نشر قيم الديمقراطية الليبرالية فى الشرق الأوسط.

الكلمات المفتاحية: الدبلوماسية الاقليمية، الاستراتيجية، الثورة الاسلامية الايرانية، القوة الناعمة، الشرق الأوسط.

١. أستاذ بجامعة طهران.

٢. طالب دكتوراه فى القانون الدولى.

٣. أستاذ مساعد بجامعة الخوارزمى.

٤. طالب دكتوراه علاقات دولية بجامعة الخوارزمى.

ghkarimi@khu.ac.ir

h.tooti@ut.ac.ir

الاهداف، الرسالة والعوامل الاستراتيجية للبيئتين الداخلية والخارجية للثورة الاسلامية

محسن باليزبان^١

الخلاصة: في اطار الادارة الاستراتيجية، فان الشرط الأساس لتدوين استراتيجية من أجل الوصول الى الظروف القائمة المنتهية الى الوضع المطلوب أو المنشود، هو امتلاك رسالة ورؤية استشرافية وقائمة بالعوامل الرئيسية أو الاستراتيجية في البيئة الداخلية (نقاط القوة والضعف) والبيئة الخارجية (الفرص والتحديات). والهدف من هذا المقال هو اعداد وكتابة رسالة واستشراف مستقبل واعداد قائمة بالعوامل الاستراتيجية للثورة الاسلامية في اطار تحليل استراتيجي (SWOT) ناتج عن الأهداف النهائية، السياسات العامة ومطالبات اصحاب المنفعة والشأن في الثورة الاسلامية.

الكلمات المفتاحية: الرسالة، الاستشراف، العوامل الاستراتيجية، الثورة الاسلامية.

الحج والامكانيات الداخلية للعالم الاسلامي في الصحوة الاسلامية

بالاستناد الى فكر الامام الخميني (رض)

محسن محمدى^٢ / غلام رضا بهروز لك^٣

الخلاصة: الامام الخميني ومن خلال نظريته السياسية والاجتماعية الى الحج، يلفت انتباه المسلمين الى امكانيات الحج في الصحوة الاسلامية. ففي ندائه بمناسبة موسم الحج يرى ان روح الصحوة الاسلامية تتجلى في النضال ضد الاستعمار والاستكبار، ويدعو المسلمين الى تذكر وظائف الحج السياسية والاجتماعية التي يجرى التغافل ودعم الصحوة الاسلامية. فمن وجهة نظر الامام الخميني (رض) يعتبر الحج فسحة للوعي والتنقيف فيما يتعلق بالاسلام وقضايا العالم الاسلامي والبراءة من المشركين، ضمن عملية بعث للهوية والانسجام بين بلدان العالم الاسلامي في مقابل الكفر والاستعمار باعتباره العدو المشترك لجميع المسلمين.

الكلمات المفتاحية: الحج، الصحوة الاسلامية، الامام الخميني، الاستعمار، الاسلام السياسي، الاحياء الديني.

mpalizban@ut.ac.ir

mohsen2941@yahoo.com

١. دكتوراه علوم سياسية - فرع الدراسات الايرانية من جامعة طهران.

٢. طالب دكتوراه الثورة الاسلامية.

٣. استاذ مساعد بجامعة باقر العلوم عالي.